

بررسی تطبیقی دو مؤلفه جاهلیت اولی، تبرج و خشونت علیه زن، با جاهلیت مدرن از منظر قرآن

* علی صالحی ارمکی

تاریخ دریافت: ۹۹/۴/۲

** محمدرضا ابویی

تاریخ پذیرش: ۹۹/۷/۱۲

*** کمال خواجه پور بنادکی

چکیده

جاهلیت دارای مؤلفه‌های ویژه‌ای است و محدود به زمان و مکان معینی نمی‌باشد و محورهای گوناگون آن در قرآن مطرح و نقد شده است. یکی از این محورها، نماد و ویژگی‌های جاهلیت می‌باشد. از جمله مؤلفه‌های فرهنگی مهم دوران جاهلیت که همچنان به اشکال دیگر در زمان حاضر در جوامع مختلف از جمله جوامع مسلمان دیده می‌شود، دو موضوع تبرج و خشونت علیه زنان است. لذا ضروری است با تأسی به قرآن جهت شناخت چهره واقعی جاهلیت، این مؤلفه‌ها بررسی و تحلیل شود تا با نگرشی اصلاح‌گرایانه در دوران معاصر به کار برده شود. در پژوهش حاضر که با رویکرد توصیفی-تحلیلی و گردآوری مطالب از منابع معتبر صورت پذیرفته، می‌توان دریافت که رذائل اخلاقی در جاهلیت مدرن بر اساس تحولات فرهنگی، اجتماعی و دیدگاه‌های مادی‌گرایانه، جایگاه جدیدی پیدا کرده و مشابه جاهلیت اولی، همچنان ادامه دارد. **کلیدواژگان:** جامعه انسانی، گفتمان، امنیت، جهل، خودنمایی.

* دانشجوی علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی یزد، ایران.

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی یزد، ایران.

*** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی یزد، ایران.

نویسنده مسئول: محمدرضا ابویی

مقدمه

قرآن کریم در زمانی نازل شده است که اعراب معاصر آن زمان از لحاظ عقیدتی و فرهنگی در بی‌خبری و جاهلیت به سر می‌بردند. جاهلیتی که درباره آن زمان به کار برده می‌شود و دارای مؤلفه‌های اخلاقی، عقیدتی، فرهنگی و اجتماعی متعددی است. بحث از تمام آن مؤلفه‌ها در یک مقاله قابل ارائه نیست. از سوی دیگر، بشر امروز نیز به نوعی در جاهلیتی مدرن به سر می‌برد. با اینکه به لحاظ تکنولوژی و علم پیشرفت‌های متعددی در زندگی بشر صورت گرفته است، اما بر اساس مؤلفه‌های فوق، دارای اشتراکاتی با جاهلیت زمان نزول قرآن کریم است. بررسی اشتراکات میان جاهلیت اولی و جاهلیت مدرن از بحث‌های مورد نیاز جهت واکاوی ابعاد متعدد جاهلیت مدرن و راه‌های درمان آن به شمار می‌رود. موضوع اصلی در مقاله حاضر بررسی دو مورد از مؤلفه‌های فرهنگی و اخلاقی مشترک میان جاهلیت اولی و جاهلیت مدرن است. این دو مؤلفه عبارت است از تبرج و خشونت علیه زنان. نویسنده بر آن است تا با بررسی آیات قرآن کریم و روایات و همچنین کتبی که به تحلیل عصر حاضر به لحاظ مؤلفه‌های پیش‌گفته پرداخته‌اند، در مورد این دو مؤلفه بحث نماید. روش تحقیق در مقاله حاضر روش توصیفی - تحلیلی با توجه به تطبیق میان مؤلفه‌های دو جاهلیت اولی و مدرن است که از منابع کتابخانه‌ای در آن بهره گرفته شده است. ساختار مقاله نیز بر اساس بررسی این دو مؤلفه شکل گرفته است. در هر مؤلفه شرایط آن در زمان جاهلیت و سپس شرایط آن در عصر حاضر مورد توجه قرار گرفته است.

پیشینه بحث

تا کنون در این رابطه کتاب‌ها و مقالاتی به رشته تحریر در آمده و از سوی دیگر در آیات قرآن و نهج البلاغه هم در این رابطه تذکراتی داده شده است. برخی از این آثار به شرح زیر می‌باشد:

الف. کتاب‌ها

- «بازگشت به جاهلیت» (مؤمنی، سید حسین، ۱۳۹۳)

- «جاهلیت» (صالحی منش، میرزا محمد، ۱۳۲۹)

- «جاهلیت در عصر اتم» (عزیزیان، محمود، ۱۳۹۴)
 - «جاهلیت مدرن و راه‌هایی از آن» (مفاخری، داوود، ۱۳۹۱)
 - «راز بازگشت جاهلیت در عصر عاشورا» (سلیمانی امیری، جواد، ۱۳۹۲)
 - «واکاوی جاهلیت از منظر نهج البلاغه» (یداله پور، محمد هادی، ۱۳۴۹)
- ب. پایان نامه
- «واکنش قرآن در برابر فرهنگ جاهلیت» (بدیعی، فاطمه، ۱۳۹۴)
 - «چیستی و نقد فرهنگ جاهلی» (طائی، کوثر، ۱۳۹۴)
- ج. مقالات
- «عبادت‌های جاهلی از منظر قرآن» (جباری، محمدرضا، ۱۳۸۴)
 - «مرزهای گفتمانی نظریه اسلامی امنیت، گذر از جامعه جاهلی به جامعه انسانی» (افتخاری، اصغر، ۱۳۸۳)
 - «مؤلفه‌های قرآنی فرهنگ جاهلیت و مصادیق آن در جوامع مدرن» (شعبان پور، محمد و بشارتی، زهرا، ۱۳۹۴)
- در تمام کتاب‌ها و مقالات و پایان‌نامه‌های تألیف شده به خصوصیات جاهلیت اولی و مدرن اشاراتی شده و همچنین در زمینه وجوه اشتراک هر دو جاهلیت سخن به میان آورده‌اند و راه‌هایی از آن را تمسک به قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) معرفی نموده‌اند.

جاهلیت

«جهل» در برابر «علم» به معنای نادانی. «جهل» به معنای سبکی که خلاف وقار و طمأنینه است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲: ۲۹۸). اولی نقیض «علم» است، لذا، به بیابان بدون علامت و نشانه «مجهل» (ابن فارس، ذیل واژه «جهل») گفته‌اند و دومی دارای معنای اضطراب، ناآرامی است، لذا، به چوبی که با آن آتش را به هم می‌زنند «مجهل» می‌گویند. پاره‌ای «جهل» در آیه ﴿وَلَكِنِّي أُرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ﴾ را به معنای «عدم علم و معرفت» تفسیر کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۵۶، ج ۱۰: ۲۰۸).

در معنای اصطلاحی، جاهلیت اولی، به دوره تاریخی عرب و سال‌های قبل از اسلام اطلاق می‌شود که بار معنایی منفی می‌آورد و از تاریکی، کینه، نادانی و... حکایت

می‌کند، لذا اسلام در همین دوران ظهور کرد و بخشی از رسالت حضرت محمد(ص) به مبارزه اندیشه‌های عرب جاهلی پرداخت که بیش‌ترین چالش‌ها را با حامیان فرهنگ جاهلیت داشته و بسیاری از آیات قرآن به طور آشکارا ناظر به تفکرات آن دوره بوده و اندیشه‌های آنان را به نقد کشانده و محکوم کرده است.

در قرآن کریم چهار نوع از ابعاد جاهلیت مورد توجه قرار گرفته است:

۱. حکم الجاهلیة(مأده/ ۵۰) ﴿أفحکم الجاهلیة یغون﴾: از حکم و حکومت ناحق، رفتار خلاف قانون الهی که مبتنی بر هوای نفس و رویگردانی از دستورات الهی است پیروی می‌کنند.

۲. ظن الجاهلیة(آل عمران/ ۱۵۴) ﴿یظنون بالله غیرالحق ظن الجاهلیة﴾: بی توجهی به وعده و وعیدهای خداوند و بداندیشی درباره افعال الهی که درباره گروهی از یاران پیامبر است که با اکراه و نفاق در جنگ احد شرکت کرده بودند.

۳. تبرج الجاهلیة(احزاب/ ۳۳) ﴿وقرن فی بیوتکم ولا تبرجن تبرج الجاهلیة الأولى﴾: بی پروایی زنان در جامعه و زینت دادن برای مردان اجنبی.

۴. حمیة الجاهلیة(فتح/ ۲۶) ﴿إذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیة حمیة الجاهلیة﴾: تأکید کردن بر خواسته‌های نابجا، تعصب درباره آگاهی‌های ناچیز و طرفداری از عقاید و اندیشه‌های بدون دلیل.

تبرج در قرآن

یکی از ویژگی‌های مهم زنان خصیصه تبرج و خودنمایی است که به صورت غریزی و طبیعی در آنان وجود دارد. قرآن این غریزه را نادیده نگرفته بلکه به آن اهمیت داده است، از منظر قرآن زنان علاوه بر دارا شدن زیبایی درونی و اخلاقی، از نظر ظاهری هم می‌توانند جذاب و زیبا باشند. زیرا توجه به آرایش و زیبایی ظاهر، نه تنها پاسخی منطقی و صحیح به اقتضای طبیعی و غریزی آنان در جلوه‌گری و جلب توجه دیگران است بلکه سبب می‌شود زن شاداب‌تر و بانشاط‌تر باشد و از این راه شادابی و نشاط را به زندگی خانوادگی‌اش وارد کند. یکی از عوامل مهم بانشاط بودن زن، داشتن ظاهری زیبا و دل‌پسند است. قرآن مجید برای تحکیم و تقویت بنیان خانواده، ضمن وضع مقررات و

قوانین کارساز به شیوه‌های گوناگون جهت پالایش روحی- روانی مسلمانان و پیراستگی روابط جنسی و پاکسازی آن از طوفان شهوت‌های حیوانی به ارشاد و راهنمایی مسلمانان می‌پردازد و آداب زندگی خانوادگی و زندگی اجتماعی را به آنان می‌آموزد، لذا در دو آیه به صراحت «تبرج» زنان و حکم آن را مطرح می‌کند و تبرج را یک اپیدمی خطرناک و یکی از پس‌مانده‌های جاهلیت بشر معرفی می‌کند. در نتیجه تبرج زنان را در دوران جاهلیت نکوهش می‌کند تا جامعه را از آثار و پیامدهای تبرج پیراسته سازد. در آیه زیر صراحتاً از تبرج زنان بحث شده که سبب نزول دو آیه، آسیب‌های روانی، اجتماعی و اقتصادی تبرج را می‌رساند:

﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾
(احزاب/ ۳۳)

«در خانه‌های تان قرار بگیرید و همانند خودآرایی دوران جاهلیت نخستین، با زیورها خودنمایی و تبرج نکنید و...»

مراد از تبرج در این آیه این است که تجلی و جلب نفوس را ظاهر و اراده نکنید؛ زیرا ظهور و تجلی در هر چیز به حسب همان چیز می‌باشد. از این رو هر حرکتی یا توقف و سکونی که از ناحیه زن منجر به جلب توجه نامحرم شود و ظهور و جلوه‌گری در مقابل نامحرم را به دنبال داشته باشد و مقتضی نفوذ زن در دل آن‌ها باشد، نوعی تبرج است که در آیه مذکور از آن نهی شده است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱: ۲۴۲-۲۴۳). در تفسیر «المیزان» در مورد کلمه «قرن» آمده: «این کلمه از ماده «قَرَّ» به معنی پابرجا شدن است و اصل کلمه «قرون» بوده که یکی از «راء» حذف شده به معنای اجتماع و کنایه از ثابت ماندن در خانه‌ها می‌باشد و مراد این است که ای زنان پیامبر از خانه‌های خود بیرون نیایید و کلمه «تبرج» به معنای ظاهر شدن در برابر مردم است همانطور که برج قلعه برای همه هویدا است و عبارت «جاهلیته الاولی» به معنای جاهلیت قبل از بعثت است که مراد جاهلیت قدیم است» (طباطبایی، ۱۳۵۶: ۱۵). همچنین آیه:

﴿وَأَلْقَا عِدْمَانَ النَّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (نور/ ۶۰)

«و بازنشستگان از زنان که امید به ازدواج ندارند پس هیچ گناهی بر آنان نیست که لباس‌های رسمی خود را فرو نهند در حالی که با زیور خودآرایی نکنند و خویشان داری آنان برای‌شان بهتر است...»

در این آیه خداوند در صورتی جواز کشف حجاب برای زنان پیر و ناامید از ازدواج را می‌دهد که آنان تبرج نکنند و اندام‌های خویش را برجسته‌سازی نکنند زیرا این برجسته‌سازی خود عامل تحریک جنسی دیگران می‌شود حتی اگر در حالت طبیعی هم کسی مایل به ارتباط جنسی با آن زن نباشد. در آیات زیر درباره تبرج و خودنمایی زنان چنین آمده است:

﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا﴾ (احزاب/۳۲)

«ای زنان پیامبر شما مانند دیگر زنان نیستید اگر خدا ترس باشید پس زنهار نازک و نرم با مردم سخن نگوئید مبادا آن که دلش بیمار (هوس و هوس است) به طمع افتد بلکه متین سخن بگوئید»

﴿وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُرْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْظُنْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا...﴾ (نور/۳۱)

«و ای رسول گرامی زنان مؤمن را بگو تا چشم‌ها از نگاه ناروا بپوشند و فروج و اندامشان را از عمل زشت محفوظ دارند و زینت و آرایش خود را جز آن چه قهراً ظاهر می‌شود بر بیگانه آشکار نسازند و باید سینه و صورت و دوش را به مقنعه بپوشانند و جمال خود را آشکارا نسازند جز برای شوهران خود و پدران شوهر و پسران خود و پسران شوهر و برادران خود و پسران برادر و پسران خواهران خود و زنان خود (مسلمه) و...»

﴿وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ (نور/۵۹)

«آنگاه که اطفال شما به حد بلوغ و احتلام رسیدند باید مانند سایر بالغ‌ها، با اجازه وارد شوند خدا آیات خود را برای شما بدین روشنی بیان می‌کند که او دانا و محکم کار است»

برخی از مفسران در تبیین تبرج گفته‌اند که برای تبرج زنان درجاتی است. برخی از گونه‌های تبرج مربوط به نحوه پوشش آن‌ها و برخی دیگر مربوط به حرکات آن‌ها مانند شیوه راه رفتن بین مردان همراه با تکسر و تبختر و کوبیدن پاهای‌شان بر زمین به گونه‌ای که نظر جنس مخالف را به سوی خود جلب نمایند (نور / ۳۱) و همانگونه که گاه تبرج مربوط به شیوه سخن گفتن آن‌ها که همراه با عشوه‌گری و نازک کردن صدا و... است:

﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا...﴾ (احزاب / ۳۲)

«پس به نرمی و ناز سخن نگویند تا کسی که در دلش نوعی بیماری است طمع ورزد و سخنی پسندیده بگوید»

حتی گاه می‌تواند مربوط باشد به شیوه نگاه کردن آن‌ها همراه با غمزه کردن و نگاه‌های خاصی که نامحرم را به سوی آنان دعوت کند (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۱۱۰).

پیامبر اکرم (ص) نسبت به عالمان مسیحی که با لباس‌های زربفت وارد مدینه شده و منتظر ملاقات بودند عکس العمل نشان می‌داد چون با لباسشان خودنمایی و خودآرایی می‌کردند (سبحانی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۴۳۴). قرآن زنان ایده‌آل را که در بهشت جای دارند به مروارید محجوب و پوشیده در صدف تشبیه نموده و می‌فرماید:

﴿كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ﴾ (واقعیه / ۲۳)

«که در بهاء و لطافت چون در و لؤلؤ مکنون‌اند»

یا آنان را به جواهرات اصلی چون یاقوت و مرجان تشبیه می‌کند که جواهرفروشان در پوشش مخصوص قرار می‌دهند تا همچون جواهرات بدلی به آسانی در دسترس مردان قرار نگیرند و از قدر و ارزش و اهمیت آن‌ها کاسته نشود:

﴿فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ﴾ (الرحمن / ۵۶)

«در آنجا زنان زیبا و باحیایی هستند که پیش از آنان، دست هیچ کس به آن‌ها نرسیده است گویی یاقوت و مرجان‌اند»

بنابراین ارزش و وقار زنان حجاب است نه تبرج و خودآرایی نمودن در انظار مردم، چون مردان شیفته آن‌ها می‌شوند و جامعه را به فساد می‌کشانند.

خشونت علیه زنان در دوران جاهلیت قبل از اسلام

هرگونه عمل خشونت آمیز بر پایه جنسیت که بتواند منجر به آسیب بدنی، جنسی یا روانی زنان شود، شامل خشونت می‌شود. خشونت پدیده‌ای جهانی است و هر زمان و مکان می‌تواند به صورت‌های متفاوتی ظاهر شود. در این میان سوء استفاده و آزار جنسی علیه زنان بخشی از مقوله فساد در محل کار و محیط‌های اجتماعی است. در محیط کار، اگر خشونت‌های مالی و روانی اتفاق بیفتد به دنبال تحمیل خواسته‌های جنسی مردان بر زنان است که در نهایت منجر به خشونت جنسی می‌شود. این خشونت‌ها احساس ناامنی در زنان ایجاد می‌کند و آنان نیاز به پشتیبانی و مراقبت را در خود احساس می‌کنند. اعراب جاهلی دارای طبعی خشن بودند؛ به طوری که خشونت و رفتار تند در بین آن‌ها رایج و معروف بوده است (سالم، ۱۳۸۰: ۴۵). سخن گفتن با صدای بلند و رعایت نکردن ادب در برابر دیگران از نشانه‌های خشونت مردمان آن زمان بوده است. به عنوان نمونه اگر فردی می‌خواست پیامبر(ص) را ملاقات کند از بیرون خانه فریاد می‌زد یا محمد! یا محمد! و همچنین نقل شده وقتی که گروهی از قبیله "تمیم" برای زیارت پیامبر(ص) می‌آمدند، نماینده‌ی آنان از پشت دیوار فریاد می‌زد: ای محمد! بیرون بیا و بدان که مدح به ما نیکو و ذم و بدگویی به ما زشت و نارواست (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۶: ۷۳).

جای شگفتی بسیار است که بعضی فلاسفه و متفکران از قدما و متأخران نیز در نهایت بی‌انصافی و خشونت، طبقه زنان را زیر شلاق نکوهش‌های خود برده‌اند و به تحقیر آنان پرداخته‌اند چنانکه سقراط سلوک با زن را نوعی زجر و ریاضت سخت می‌شمارد که برای تقویت اراده و مالکیت بر نفس مردان، چشیدن این زهر و کشیدن آن زجر را سودمند دانسته است (نوری، ۱۳۴۶: ۱۹). نیچه توصیه می‌کند هر وقت خواستی به سوی زن بروی با تازیانه برو، چون قوه ادراک آنان ضعیف‌تر از مردان می‌باشد. کانت معتقد است فقط موجودات مستقل دارای ادراک می‌باشند و زنان را جزء موجودات مستقل نمی‌شمارد چون آنان درک کافی ندارند. حکیم سبزواری و ملاصدرا هم با نیچه و کانت در این زمینه هم‌عقیده می‌باشند (سروش، ۱۳۵۸: ۲۹۹). در تصور مردان جامعه جاهلی، زنان انسان‌های خوار و مکار و حيله‌گری بودند که همچون شیطان دنبال فریب دادن مردان هستند و به این مسأله ایمان داشتند که اگر زنان بتوانند مردان را فریب دهند

هرگز از دسیسه‌های آن‌ها در امان نخواهند بود لذا زن را به «مار» تشبیه می‌کردند (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۴۶۷). یکی دیگر از صفات غیر انسانی و مظاهر خشونت علیه زنان زنده به گور کردن دختران به شیوه‌های مختلف بوده؛ این اعمال شنیع با هر شکل و وسیله‌ای در جامعه جاهلی انجام می‌گرفت و به خاطر عادات و آداب و رسوم خاص آن جامعه گاه صورتی زیبا و افتخارآمیز به خود می‌گرفت. در زمینه ازدواج نیز مردان برای اینکه خشونت را نشان دهند خود را مقید به داشتن یک زن نمی‌دانستند و ضمن عدم پایبندی در پرداخت نفقه از زنان در کارهای سخت نیز استفاده می‌کردند.

خشونت علیه زنان در جاهلیت عصر حاضر

«در عصر حاضر، غضب تبدیل به سنت و خوی مشخص گردیده، تا جایی که انسان با جزئی‌ترین دلایل، خشمگین می‌شود و در موقع خشم از بکارگیری قدرت و نیرو بدون توجه به دلایل و نتایج خودداری نمی‌کند» (قطب، ۱۳۵۸: ۳۳۰) و غضب منشأ بسیاری از جنایات، جنگ‌ها، فسادها و... می‌باشد. «امروزه سینما، آگهی‌ها و اهداف نفسانی و هیجانی روی دختران و زنان مانور می‌دهد و کارگردانان، فیلم‌های مهم‌را به جای فیلم‌های سالم ارائه می‌دهند. دختران جوان را با مسائل شهوانی و غیر اخلاقی آشنا می‌کنند تا تأثیر مخربی برای آنان داشته باشد و طبیعت آن‌ها را به خطرات ناشی از آزادی بکشانند» (فرنجی، ۱۳۷۳: ۱۰۵). در جوامع متمدن امروزی خشونت برای زنان به شکل‌های مختلفی وجود دارد که یک نمونه آن، خشونت جنسی است. در این خشونت، قدرت فیزیکی، روانی، اقتصادی و... مرد در برابر زن به کار گرفته می‌شود. در این مقوله خشونت شامل تمام رفتارهایی می‌شود که مرد برای ایجاد و دوام سلطه نظارت بر رفتار زنان اعمال می‌کند. «در بحث خشونت فیزیکی باید به اعمالی مانند ضرب و جرح، کشیدن موی سر، سوزاندن زنان و در خشونت روانی، استهزاء، بدرفتاری کلامی، تهدید به آزار و یا کشتن زن و اطرافیانش، ممنوعیت ملاقات با دوستان و اقوام، زندانی شدن در منزل و عدم مشغول شدن به کارهای اجتماعی و... باید اشاره شود» (اعزازی، ۱۳۷۹: ۲۰۹). در صدر اسلام بانوانی که تا دیروز بر اساس رسوم جاهلی حق اظهار وجود و حضور در جمع را نداشتند، در مساجد، و مجامع مذهبی و مجالس جشن و سوگواری و

در صحنه‌های نظامی به عنوان نیروی پشتیبانی شرکت می‌کردند. در بیعت «عقبه» زنانی همراه رسول خدا(ص) جهت بیعت با رسول خدا حضور داشتند(ابن هشام، ۱۳۶۴: ۴۲۵). ام سلمه مورد مشورت پیامبر واقع می‌شد و پیامبر رأی او را می‌پذیرفت. پس از صلح حدیبیه رسول خدا از مردم خواست تا برخیزند، قربانی کنند و سرهای خود را بتراشند، گویی اعمال حج را به جا آورده‌اند. پیامبر چندین بار این سخن را تکرار فرمود اما کسی حاضر نشد چنین کند. پیامبر موضوع را با ام سلمه در میان گذارد. ام سلمه گفت: یا نبی الله اخرج و لا تکلم احد منهم حتی تنحر بدنک و تحلق شعرک): «ای پیامبر خدا خارج شو و با کسی سخن مگو، قربانی کن و موهای خود را بتراش». پیامبر چنین کرد و چون اصحاب کار پیامبر را دیدند برخاستند، قربانی کردند و سرهای خود را تراشیدند. در میدان‌های نبرد زنان برای امور پشتیبانی از جمله مداوای مجروحین، حضوری جدی و فراگیر داشتند و حتی به ضرورت در جبهه جنگ حضور می‌یافتند. تاریخ نام زنانی چون نسیمه دختر کعب و یا صفیه دختر عبدالمطلب را ثبت کرده است»(ابن اثیر، ۱۹۸۴ق، ج ۱: ۲۰۶)

نسل کشی انسان و سقط جنین در جاهلیت نوین

در جاهلیت عصر مدرن همانند دوره جاهلیت اولی نسل کشی و فرزندکشی رواج دارد که به دو نمونه آن اشاره می‌شود:

الف. از جمله جنایات بی نظیر صهیونیسم انتشار ایدز توسط این جرثومه فساد در کشور مصر می‌باشد. آنان سعی می‌کنند با صدور بیماری‌های مسری و ویرانگر از قبیل ایدز و حشره کش‌های آلوده جوانان و نوجوانان و کودکان را که سرمایه‌های آینده کشور محسوب می‌شوند آلوده کرده و در نهایت به مرگ بکشانند(شفیعی سروستانی، ۱۳۸۹: ۲۰۹-۲۱۴).

ب. سقط جنین یک شیوه نسل کشی است که در بسیاری از جوامع به صورت امری عادی در آمده است و در حال حاضر به دلایل متعددی تشدید شده است. این پدیده باعث لجام گسیختگی فرهنگی، بی بند و باری اخلاقی، روابط آزاد جنسی، تنگناهای اقتصادی، جنگ و خشونت‌های منجر به آوارگی و بی خانمانی، رشد جامعه سرمایه داری

و شیوع فقر می‌باشد. به عنوان نمونه در چین به دلیل وجود قانون تک فرزندی و اینکه بعضی از خانواده‌ها علاقه به پسر دارند نوزادان دختر را سقط می‌کنند. در این میان خانواده های فقیر جنین‌های پسر را به قیمت ۲۰۰۰ دلار می‌فروشند(همان: ۲۹۶).

خشونت علیه زنان در قرآن

قرآن به عنوان کتاب آسمانی دین اسلام، درباره زن و حقوق و وظایف او ساکت نمانده و بر زورگویی‌ها و اعمال خشونت آمیز و وحشیانه اعراب جاهلی خط بطلان کشیده و به جای عقاید غلط آنان درباره زنان، احکام عادلانه‌ای که دور از هوی و هوس و میل عرب جاهلی بوده برای زنان ایجاد نموده است. همچنین با توجه به شرایط طبیعی و ساختار فیزیکی زن، درباره سرشت مساوی زن و مرد و یکسان بودن حقوق و تکالیف آنان و اهمیت داشتن فعالیت‌های اجتماعی آن‌ها، آیاتی را بیان فرموده است. در آیه زیر برای نشان دادن خشم و غضب از واژه "حمیت" استفاده کرده است:

﴿إِن جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا قُلُوبَهُم حَمِيَّةً الْجَاهِلِيَّةَ﴾ (فتح/۲۶)

«به خاطر بیاورید هنگامی که کافران در دل‌های خود خشم و نخوت جاهلیت داشتند»

«عرب از نیروی غضب وقتی فوران کند و شدت یابد تعبیر به "حمیه" می‌کند» (راغب اصفهانی، ۱۴۲۳: ۲۵۹). این خشم و حمیه اعراب به علت کبر و فخر آن‌ها بود که در مقابل پیامبر(ص) و همراهانش قرار دادند(قطب، ۱۳۵۸: ۳۲۹).

﴿لِلَّهِ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَهَبُ لِمَن يَشَاءُ إِنَّا لَهُ لَمَن يَشَاءُ﴾

الذکور﴾ (شوری/۴۹)

«مالکیت آسمان‌ها و زمین از آن خداوند است او هر چه را بخواهد می‌آفریند

و به هر کس اراده کند دختر می‌بخشد و به هر کس بخواهد پسر می‌دهد»

در این آیه اهدای دختر از طرف خداوند به پدر و مادر مقدم بر پسر آمده است این تقدم در کلام خداوند نشانه توجه و لطف بیش‌تر پروردگار به زنان نسبت به مردان است و بیانگر اهمیتی است که اسلام به احیای شخصیت زن و مقام بزرگداشت او دارد. در

جاهلیت اگر مردی وفات می‌کرد زنان پس از فوت شوهر، یک سال عده نگه می‌داشتند و در این مدت حق ازدواج نداشتند. اسلام این مدت را به چهار ماه و ۱۰ روز کاهش داد:

﴿وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبُّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا...﴾

(بقره/۲۳۴)

«کسانی که می‌میرند و زنانشان زنده‌اند مانند آن زنان باید از شوهر کردن

خودداری کنند تا مدت چهار ماه و ده روز بگذرد...»

همچنین توصیه‌هایی از طرف پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (س) در مورد زنان شده است نظیر: «خيارُ الرجالِ من أمتي خيارهم نساءهم وخيرُ النساءِ من أمتي خيرهنَّ لأزواجهنَّ»: «بهترین مردان امت من بهترین باشند برای زنانشان و بهترین زنان، بهترین باشند برای شوهرانشان» (رازی، ۱۳۵۲، ج ۲: ۲۳۰). «ان الله تعالى يوصيكم بالنساء خيراً فأنهنَّ أمهاتكم وبناتكم وخالاتكم...»: «خداوند متعال شما را درباره زنان به نیکی سفارش می‌کند زیرا آنان مادران، دختران و خاله‌های شما هستند» (نهج الفصاحه، ۱۳۶۰: ۱۵۹).

نمونه‌ای از رفتار خشونت آمیز با زنان که مورد نکوهش قرآن بوده زنده به گور کردن دختران است. آنچه از شواهد تاریخی و از آیات قرآن کریم به عنوان محکم‌ترین سند تاریخی می‌توان دریافت این است که موقعیت زن در جاهلیت و عدم توجه به او به عنوان عضوی مؤثر و مفید و مایه ننگ و عار دانستن دختران در آن جامعه بوده است. در قرآن بیان شده است:

﴿وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِن سُوءِ مَا بُشِّرَبِهِ

أَيْمَسِكُهُ عَلَىٰ هُودٍ أَمْ يَكْتُمُهُ...﴾ (نحل / ۵۸-۵۹)

«هرگاه یکی از آنان را به دختر مژده آورند چهره‌اش سیاه می‌گردد در حالی که خشم خود را فرو می‌خورد از بدی آنچه بدو بشارت داده شده از قبيله خود روی می‌پوشاند آیا او را با خواری نگاه دارد یا در خاک پنهانش کند و چه بد داوری می‌کنند»

قرآن کریم با حساسیت خاصی با این امر برخورد نموده آنگاه که خطاب می‌کند:

﴿وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ﴾ (تکویر / ۸-۹)

«پرسند از آن دخترک زنده به گور شده به کدامین گناه کشته شده است»

قرآن به کسانی که از ترس فقر و گرسنگی فرزندان خود را زنده به گور می‌نمودند می‌فرماید:

﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِنَّا كَرِيمٌ﴾ (اسراء / ۳۱)

«از بیم تنگ دستی فرزندان خود را نکشید ما هستیم که به آن‌ها و شما روزی می‌بخشیم آری کشتن آنان همواره خطایی بزرگ است»
قرآن این عمل را زشت دانسته چون کاهش جمعیت به هر نحو که باشد، از ترس فقر و مشکلات زندگی ضد فلسفه اسلام است.

﴿وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ ۚ فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطُقُونَ﴾ (ذاریات / ۲۲-۲۳)

«و در آسمان‌هاست روزی شما و چیزهایی که به شما وعده داده شده است یعنی قسم به پروردگار آسمان و زمین، آن حق است به مثل همین گفتار و سخنی که بر سر زبان‌تان دارید»

یعنی روزی و جمیع مواعید الهی، همه در آسمان به طور حتم و یقین وجود دارد و قطعیت آن بدون شبهه می‌باشد، در روزی هرگز نباید کسی به خود شکی راه دهد؛

﴿مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ۚ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾ (طلاق / ۲-۳)

«و هر کس از خدا پروا کند (خدا) برای او راه بیرون شدنی قرار می‌دهد و از جایی که حسابش را نمی‌کند به او روزی می‌رساند و هر کس بر خدا اعتماد کند او برایش بس است خدا فرمانش را به انجام رسانده است به راستی خدا برای هر چیزی اندازه‌ای مقرر کرده است»

﴿وَكَايْنٍ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِنَّهَا كَرِيمٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (عنکبوت / ۶۰)
«و چه بسیار جاندارانی که نمی‌توانند متحمل روزی خود شوند خداست که آن‌ها و شما را روزی می‌دهد و اوست شنوای دانا»

آیه دلالت دارد بر اینکه روزی همه جنندگان و انسان از توان آن‌ها بیرون است.

﴿اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ﴾ (شوری / ۱۹)

«خدا نسبت به بندگانش مهربان است هر که را بخواهد روزی می‌دهد و اوست نیرومند غالب»

آری بسط رزق و تنگی آن، هر دو فقط به دست خداوند است و شما ای مردم جاهلی دختران خود را از ترس رزق و روزی نکشید. فرزند دختر را موجودی اضافی ندانید و پسران را بر آنان ترجیح ندهید. لذا در این مورد قرآن فرمود:

﴿أَلَمْ تَكُنْ أَتَدَّكُرُوهُ الْأُنثَىٰ ۖ تِلْكَ إِذْ أَوْسَمَهُ ۖ ضَيْرَىٰ﴾ (نجم / ۲۱-۲۲)

«آیا به خیالتان برای شما پسر است و برای او (خدا) دختر، در این صورت این تقسیم نادرستی است»

خداوند این برتری جویی آنان را مذمت فرموده:

﴿أَمْ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُمْ بِالْبَنِينَ﴾ (زخرف / ۱۶)

«یا از آنچه می‌آفریند خود دخترانی برگرفته و به شما پسران را اختصاص داده است»

در این آیه بنات را بدون الف و لام و بنین را با الف و لام آورده تا اشاره باشد که آنان دختران را حقیر و پسران را عزیز می‌دانستند (طباطبایی، ۱۳۵۶، ج ۱۸: ۱۴۱).

در جای دیگر قرآن فرموده:

﴿قُلْ إِنَّ رَبِّي يَسْطُرُ الرَّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْفَهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ (سبأ / ۳۹)

«بگو ای پیامبر در حقیقت پروردگار من است که روزی را برای هرکس از بندگانش که بخواهد گشاده یا برای او تنگ می‌کردند و هرچه را انفاق کردید عوضش را او می‌دهد و او بهترین روزی دهندگان است»

نتیجه بحث

تبرج و خودآرایی از تمایلات طبیعی انسان است که ریشه در حب و ذات و سرشت انسان‌ها دارد. زنان از نظر روانی به خودنمایی در برابر مردان تمایل دارند و این میل آنان را وادار می‌کند تا خودشان را به دیگران نشان دهند. قرآن و اسلام برای کنترل این میل، زنان را به داشتن حجاب تشویق کرده است که اگر زنان این میل را در چهارچوب صحیح

دستورات اسلامی رعایت کنند، برای خودشان و خانواده و جامعه سودمند خواهد بود وگرنه افراط و زیاده روی این میل در خودنمایی، باعث اختلال در روح و روان و رفتار و ایمان و زندگی مردان و زنان می‌شود و در نتیجه به سردی کانون گرم خانواده و سوء ظن و حتی ایجاد روابط نامشروع در جامعه سوق پیدا می‌کند که آثار منفی فراوانی در جامعه به بار خواهد آورد. در زمان جاهلیت اولی زنان از لحاظ روانی و جنسی و جسمی مورد آزار مردان قرار می‌گرفتند و این کار در اکثر کشورها به طور معمولی متداول بوده است. ولی پس از گذشت سال‌ها، اسلام مقام زن را ارج نهاد اما در عصر حاضر جوامع زیادی شاهد خشونت‌های جنسی و استفاده ابزاری از زنان هستند. شعارهای پر آب و تاب در طرح کنوانسیون حقوق زنان و مباحث حقوق بشری در عمل نتوانسته از رنج زنان و خشونت علیه آنان بکاهد. موج فمینیسم و افراط در حمایت از حقوق زنان در واقع نوعی واکنش منفی و افراطی به تزییع حقوق زنان در جوامع بشری است.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن اثیر، محمد الطاهر بن محمد، ۱۹۸۴ق، **النهاية في غريب الحديث**، تحقيق طاهر احمد الزاوی محمود و محمد الطنطاخی، قم: موسسه اسماعيلیان.
- ابن هشام، عبدالملك. ۱۳۶۴، **السيرة النبوية**، ترجمه هاشم رسولی، تهران: انتشارات اسلاميه.
- ابی داود، سليمان بن اشعش. ۱۳۶۹ق، **سنن ابي داود**، قاهره: مكتبه التجاربه الكبرى.
- اكبرى، محمدرضا. ۱۳۸۰، **حجاب در عصر ما**، تهران: انتشارات پیام آزادی.
- جاحظ، عمرو بن بحر. ۱۹۹۶ق، **المحاسن والاضداد**، بيروت: دار ومكتبه الهلال.
- حاج حسن، حسين. ۱۴۲۶ق، **حضارة العرب في عصر الجاهلية**، بيروت: انتشارات مجد.
- حر عاملی. ۱۳۱۴ق، **وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة**، بيروت: مؤسسه آل بيت.
- حسينی زيبدی، محمد مرتضى. ۱۴۱۴ق، **تاج العروس من جواهر القاموس**، تحقيق على شيرى، بيروت: دار الفكر.
- رازى، جمال الدين شيخ ابوالفتوح. ۱۳۵۲، **تفسير روض الجنان وروح الجنان**، تهران: اسلاميه.
- راغب اصفهانی، حسين بن محمد. ۱۴۲۳ق، **مفردات الفاظ القرآن**، تحقيق صفوان عدنان داودى، دمشق: دار القلم.
- رى شهر، محمد. ۱۴۱۶ق، **ميزان الحكمة**، چاپ دوم، قم: دار الحديث.
- زمخشرى، محمد بن عمر. ۴۱۷ق، **الفائق في غريب الحديث**، بيروت: دار الكتب العلمية.
- سالم، عبدالعزيز. ۱۳۸۰ش، **تاريخ عرب قبل از اسلام**، ترجمه باقر صدرى نيا، تهران: انتشارات علمى فرهنگى.
- سبحانى، جعفر. ۱۳۷۴ش، **فروغ ابدیت**، قم: دفتر تبليغات اسلامى.
- ستوده، اميررضا. ۱۳۷۳ش، **پا به پاى آفتاب**، تهران: نشر پنجره.
- سروش، عبدالكريم. ۱۳۵۸ش، **دانش و ارزش**، بى جا: انتشارات ياران.
- سيوطى، جلال الدين عبدالرحمان بن ابي بكر. ۱۴۱۳ق، **الدر المنثور في تفسير المأثور**، بيروت: دار الفكر.
- شفيعى سروسنانى، اسماعيل. ۱۳۸۹ش، **جاهليت مدرن در روياروى با امام زمان(عج)**، تهران: موعود عصر(عجل الله).
- صابونى، محمد على. ۱۴۰۹ق، **معانى القرآن**، جامعة ام القرى.
- صادقى تهرانى، محمد. ۱۳۶۵ش، **الفرقان في تفسير القرآن بالقرآن**، قم: انتشارات فرهنگ اسلامى.

- طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۳۵۶، *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمد باقر موسوی، بی جا: انتشارات محمدی.
- طبرسی، فضل بن حسین. ۱۳۶۰، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات فراهانی.
- طریحی، فخر الدین. ۱۳۷۵ش، *مجمع البحرین*، تهران: کتاب فروشی مرتضوی.
- فرنج، مارلین. ۱۳۷۳، *جنگ علیه زنان*، ترجمه توراندوخت تمدن، بی جا: نشر علمی.
- قطب، محمد. ۱۳۵۸، *سینای جهل در غرب*، ترجمه سید خلیل خلیلیان، تهران: نشر کتابخانه ارشاد.
- مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن. ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- نهج الفصاحه. ۱۳۶۰، *مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص)*، مترجم: ابوالقاسم پاینده، تهران: نشر جاویدان.

Bibliography

Holy Qur'an

Ibn Athir, Muhammad al-Tahir ibn Muhammad, 1984 AH, *The End in the Strange Hadith*, research by Tahir Ahmad al-Zawi Mahmud and Muhammad al-Tantakhi, Qom: Ismaili Institute.

Ibn Hisham, Abdul Malik 1985, *Prophetic biography*, translated by Hashem Rasooli, Tehran: Islamic Publications.

Abi Dawood, Sulayman bin Ash'ash. 1369 AH, *Sunan Abi Dawood*, Cairo: Al-Kubra Business School.

Akbari, Mohammad Reza 2001, *Hijab in Our Age*, Tehran: Payam Azadi Publications.

Jahez, Amr bin Bahr. 1996 AH, *Al-Mahasin Wal-Zaddad*, Beirut: Dar and Maktab Al-Hilal.

Haj Hassan, Hussein 1426 AH, *Arab Presidency in the Age of Ignorance*, Beirut: Majd Publications.

Ameli, Horr: *Shiite means to study Sharia issues*, Beirut: Al-Bayt Foundation.

Hosseini Zubeidi, Mohammad Morteza 1414 AH, *the crown of the bride from the jewel of the dictionary*, research by Ali Shiri, Beirut: Dar al-Fikr.

Razi, Jamaluddin Sheikh Abu al-Futuh. 1352, *Tafsir Rawd al-Jannan wa Ruh al-Jannan*, Tehran: Islamieh.

Ragheb Isfahani, Hussein bin Mohammad. 1423 AH, *the contents of the words of the Qur'an*, research of Safwan Adnan Davoodi, Damascus: Dar al-Qalam.

Reyshahr, Mohammad 1416 AH, *Mizan al-Hikma*, second edition, Qom: Dar al-Hadith.

Zamakhshari, Muhammad ibn Umar. 1417 AH, *Al-Faeq Fi Gharib Al-Hadith*, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Almiyeh.

Salem, Abdul Azir 2001, *Arab history before Islam*, translated by Baqer Sadrinia, Tehran: Scientific and cultural publications.

Sobhani, Jafar 1995, *Forough Eternity*, Qom: Islamic Propaganda Office.

- Sotoudeh, Amir Reza 1994, *At the Foot of the Sun*, Tehran: Panjereh Publishing.
- Soroush, Abdul Karim 1979, *Knowledge and Value*, Yaran Publications.
- Siouti, Jalaluddin Abdul Rahman bin Abi Bakr. 1413 AH, *Al-Dar Al-Manthur Fi Tafsir Al-Mathur*, Beirut: Dar Al-Fikr.
- Shafi'i Sarvestani, Ismail. 2010, *Modern Jahiliyyah in Confrontation with Imam Zaman (AS)*, Tehran: The Promised Age (AS).
- Sabuni, Mohammad Ali 1409 AH, *the meanings of the Qur'an, the community of the nation of the Qur'an*.
- Sadeghi Tehrani, Mohammad 1986, *Al-Furqan Fi Tafsir Al-Quran by Quran*, Qom: Islamic Culture Publications.
- Tabatabai, Seyed Mohammad Hussein 1977, *Tafsir Al-Mizan*, translated by Seyed Mohammad Baqir Mousavi, Mohammadi Publications.
- Tabarsi, Fadl Ibn Hussein 1981, *Majma 'al-Bayan fi Tafsir al-Quran*, Tehran: Farahani Publications.
- Tarihi, Fakhruddin 1996, *Bahrain Assembly*, Tehran: Mortazavi Bookstore.
- French, Marlin. 1994, *War on Women*, translated by Turandokht Tamadon, Scientific publication.
- Qutb, Muhammad 1979, *Sinai of Ignorance in the West*, translated by Seyed Khalil Khalilian, Tehran: Ershad Library Publishing.
- Majlisi, Mohammad Baqir 1403 AH, *Sea of Lights*, second edition, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
- Mustafavi, Hassan 1981, *Research in the words of the Holy Quran*, Tehran: Book Translation and Publishing Company.
- Approach to eloquence. 1981, *A collection of short words of the Holy Prophet Translator: Abolghasem Payende*, Tehran: Javidan Publishing.

A Comparative Study of Two Components of the Prior Ignorance, Awakening and Violence Against Women, with Modern Ignorance from Qur'an's Viewpoint

Ali Salehi Armaki: University Student, Quran & Hadith Science, Islamic Azad University, Yazd Branch

Mohammad Reza Abouei: Assistant Professor, Quran & Hadith Science, Islamic Azad University, Yazd Branch

Kamal Khajeh Poor bandnaki: Assistant Professor, Quran & Hadith Science, Islamic Azad University, Yazd Branch

Abstract

Ignorance has special components and is not limited to a specific time and place, and its various fields have been discussed and criticized in the Qur'an. One of these fields is the symbol and characteristics of ignorance. Among the important cultural components of the pre-Islamic era that are still seen in other forms in the present time in various societies, including Muslim societies, are the two issues of abortion and violence against women. Therefore, it is necessary to study and analyze these components by relying on Qur'an to identify the real face of ignorance, so that it can be used with a reformist attitude in the contemporary era. In the present study, which has been done with a descriptive-analytical approach and collecting materials from reliable sources, it can be seen that moral vices in modern ignorance have found a new place based on cultural, social and materialist views and continue like the prior ignorance.

Keywords: human society, discourse, security, ignorance, ostentation.